باز بین شد
۱۳۵۳ خ
فهرست شد
میکرو فیلم تهیه شد
کتابخانه آستان قدس

عربی فارسی

اسم کتاب المصادر
مصنف قاضی حسین زوزنی
مؤلف
خطی نسخ ۲۱ سطری
چاپی بخط خواجه محمود بن خواجه ...
سال چاپ یا تحریر ۷۸۸ هجری عدد اوراق ۹۲
جزء کتب لغت شماره
شماره عمومی ۹۰۱۸ شماره قبض
واقف ادیب نیشابوری تاریخ وقف مهر ۱۳۲۱
طول ۲۶ عرض ۱۷ گنجه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانهٔ آستان قدس
ویژه خطی

بسم الله الرحمن الرحیم رب اعن بلطفك وتمم

الحمد لله الذي علی سوابغ آلائه المتسابقة افواجا وسوابغ نعمائه المتلاحقة ازواجا وصلواته
علی محمد المحلی بحلیة انبیائه وواسطة قلادة اصفیائه وعلی آله ائمة الاسلام وازمة الانام
قال القاضي ابو عبد الله الحسین بن احمد الزوزني رضي الله هذه مصادر ترجمتها
ونقحتها وجردتها عن شواهد الحدیث والامثال والاشعار لیصغر حجمها ویسهل حفظها
وصدرت کل باب منها بمصادر الافعال الصحیحة ثم اتبعتها مصادر المعتلة هلم جرا
الی ان اتیت علی سایر الانواع وتقیلت في ترتیب کل نوع منها صاحب دیوان الادب فبدأت
(اقتدا کردم)
من السالم بما لامه باء ثم قفیت علی اثره بما لامه تاء حتی اتیت علی الحروف الصحیحة وافتتحت
ما لامه باء بما فاؤه تاء مثلا ثم اتبعته ما فاؤه ثاء الی اواخر الحروف وما اتحد لامه واتفق
فاؤه منه راعیت ترتیب عینه هذا ترتیب السالم من کل باب واما المعتل ففاؤه
متفقة فروعي ترتیب لامه اولا ثم ترتیب عینه ثانیا واما الاجوف فعینه متحدة
فروعي ترتیب لامه اولا وترتیب فائه ثانیا والناقص لامه متفقة فروعي ترتیب عینه
اولا ثم ترتیب فائه ثانیا والمضاعف تجانست عینه ولامه فالمراعی فیه ترتیب اللام
اولا وترتیب الفاء ثانیا واللفیف المفروق اتحدت لامه واتفقت فاؤه فروعي فیه ترتیب
العین وحدها والمقرون اتحدت لامه واتفقت عینه فالمراعی فیه ترتیب الفاء واما مهموز
الصحیح فان کانت الهمزة فاء روعي فیه ترتیب اللام ثم ترتیب العین وان کانت الهمزة عینا روعي
فیه ترتیب اللام ثم ترتیب الفاء وان کانت لاما روعي ترتیب العین ثم ترتیب الفاء واما مهموز
المعتل وسایر الانواع فلیس فیه الا ترتیب واحد لان الهمزة وحرف العلة او حرف التضعیف
یتکرران فیه والابواب المتشعبة یتبع اصولها في الترتیب وتحریت (ایراد) ما نطق به القرآن
وما کثر استعماله في الحدیث والدواوین المعروفة من المصادر وتوخیت افادة المبتدئین
من المتأدبین وتوطیة طریق اقتباس هذا الفن من اللغة لهم مستعینا بالله علیه توکلت وهو حسبي ونعم الوکیل

زوزن بالفتح بلدة بین هراة ونیسابور قاموس

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

التقلقل جنبیدن التململ بی آرام شدن بر بستر و بیدن بعلی م التجمجم سخن نا هویدا گفتن التحمحم مثل الحمحمة التزمزم خاموش بودن التغمغم مثل التجمجم المتکمکم کلاه پوشیدن

ه التدهده درکردیدن التنهنه باز ایستادن

## باب الافعنلال

ج الابلنداج پهن و دراز شدن ح الاسلنطاح بر قفا خفتن ر الانعنجار ریخته شدن الاسحنفار بکذشتن و تعدی بی ز الاجرغاز واهم آمدن س الاحرنماس خاموش شدن الاغرنکاس واهم آمدن الاعلنکاس سیاه شدن ع الافرنقاع وا پراکنده شدن الاقرنباع باهم آمدن الاهبنقاع بر سر انکشت نشستن در وقت چیزی خواستن از مردمان ق الابرنشاق شاد شدن الادرنفاق بکذشتن نافه و شتافتن م الاجرنثام والاحرنجام واهم آمدن الاخرنطام خشم گرفتن و کردن کشی کردن الاعرنزام واهم آمدن

## ومن الملحق بتکرار اللام

س الاقعنساس وا پس شدن و سخت شدن م الاسحنکاک تاریک و سیاه شدن الاعلنکاک برهم نشسته شدن

## ومن الملحق بزیادة یاء

ی الاعلنباء بلند گشتن الاسرنداء والاسرنداء والاعرنداء غلبه کردن خاب بر مردم و جزان

## ومن المهموز اللام

ط الاحبنطاء خشم شدن و بزرگ شکم شدن الاخلنطاء بقفا سپان وا خفتن با پای هوا بر کردن ف الاظلنفاء دوسین شدن

## باب الافعیعال

ب الاحدیداب کنج پشت شدن الاجشیشاب والاخشیشاب درشت شدن الاعشیشاب با گیاه شدن زمین الاعصیصاب فراهم آمدن قوم ح الاعذیذاب خوش آمدن آب د الاحدیقاد پرهیز کردن ع الاقطیطاع پراکنده شدن ف الاحقیقاف کوز شدن الاعریراف با یش شدن اسب ق الاخلیلاق کهنه شدن جامه الاغریراق ریزان شدن اشک ک الاحلیلاک سخت سیاه شدن ن الاخشیشان درشت شدن الاغدیدان در لرزوی شدن

## ومن الناقص

ر الاعریراء بر سر اسب برهنه نشستن ل الاحلیلاء شیرین شدن الادلیلاء پنهان شدن الاقلیلاء بی آرام شدن م الاحمیماء سیاه شدن چوزه

## باب الافعوال

ذ الاجلواذ نیک رفتن شتر ط الاخروّاط مثل الاغلواط بزودی آمدن

ای معدن جوهر ذاتم ای صدف گوهر حیاتم

دیدی دلبر شمع کبی یانه سویلرسن بکا
جون دل اوجندن یانرسن یانه سویلرسن بکا

آه کیم هردم فلک جورد اوزنا دردم آرتورر
گوستررر بیکل درد بر درد ینه درمان اتدین
بغری بریانه ایدر هر لحظه بر برق بلا
بر بلای حسن تدبیر ایله بریان اتدین

منم کز زخم تیغ بیشه خالی از غضنفر شد
فلک یاری نکرد ای دوستان دشمن مظفر شد

خستهٔ هجرانکم ترک اتدی لر یاران بنی
درد وغم قالدی همان یانغنا یولداشم بنم

اوته یانمه یول بولسم جهانک
کوترردم ایکی چوقدن ایاغی

یار شاطر یوق که بار خاطرم رفع ایلیه
سینه دن آزار خار محنتی دفع ایلیه

غنا کهفنده جسم زار اولبدر
جو تار عنکبوت بر غار اولبدر

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد